



مقایسه ویژگی‌های آموزش دوره‌ی ابتدایی در کشورهای ایران و آلمان

عبدالحسین پیشگو*^۱، یاسر جهانگیری سی سخت^۲، زهره رضایی مهر^۳

چکیده:

سطح آموزش ابتدایی به نام‌های تعلیمات ابتدایی، تعلیمات اجباری، آموزش همگانی و آموزش عمومی خوانده شده است. در روزگار ما تحقیقات جدید نشان می‌دهد که آموزش ابتدایی و مانند آن در کاهش فقر و تحقق برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی نقش انکارناپذیر دارد. بی‌تردید یک نظام آموزش ابتدایی ضعیف، کل نظام توسعه‌ی سرمایه انسانی را به مخاطره می‌اندازد. این نظام از یک سو دانش‌آموزانی تربیت می‌کند که آمادگی لازم برای ورود به دوره‌ی متوسطه و آموزش عالی را ندارند و از سوی دیگر بزرگ‌سالانی بی‌سواد تحویل می‌دهد. مهم‌تر از آن به تعداد کافی والدین، کارگران و مدیرانی که آموزش واقعی دیده باشند برای مشارکت در توسعه، تربیت نخواهد کرد. در این مقطع است که دانش‌آموزان، طرز تلقی و برخورد با مسأله یادگیری را در خود تحول و تکامل می‌بخشند. بنابراین لزوم این پژوهش جهت دستیابی به نقاط ضعف و قوت آموزش ابتدایی کشورمان در مقایسه با کشور آلمان که کشوری پیشرو در اقتصاد اروپاست که در سال‌های اخیر در امر آموزش و پرورش رشد فزاینده‌ای داشته است و ارائه‌ی راهکارهایی جهت بهبود نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت آموزش ابتدایی کشور ضروری به نظر می‌رسید.

برنامه درسی در آلمان به‌طور غیرمتمرکز بوده و کتاب‌ها توسط افراد متخصص دیگر تألیف می‌شوند و مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرند. برنامه‌ی درسی بیشتر روی موضوعات درسی تأکید دارند تا کتاب. بنابراین انعطاف‌پذیری بیشتری در برنامه‌ی درسی دیده می‌شود. در این کشور بیشتر بر روی زبان آلمانی، ریاضیات، علوم تجربی، هنر و موسیقی تأکید می‌شوند که تا حدودی به موضوعات ایران نزدیک است.

کلمات کلیدی: نظام آموزش ابتدایی، سیر تحول آموزش ابتدایی، سازمان و تشکیلات آموزش دوره ابتدایی، آموزش ابتدایی آلمان

^۱ نویسنده مسئول: لیسانس، رشته تربیت معلم قرآن، دانشگاه قرآن و عترت اصفهان، AbdulHosseinPeshgo1399@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، رشته فیزیک نانو، دانشگاه سیستان و بلوچستان، jahangiri.yaser@gmail.com

^۳ لیسانس، رشته علوم تربیتی، دانشگاه علمی کاربردی، Zohra.RezaeiMehr1400@gmail.com

1_ مقدمه:

سطح آموزش ابتدایی به نام های تعلیمات ابتدایی، تعلیمات اجباری، آموزش همگانی و آموزش عمومی خوانده شده است. مبنای این نام گذاری این است که این دوره به آموزش آنچه صرف نظر از شغل و حرفه ای که افراد بدان اشتغال دارند مورد نیازشان باشد، اختصاص دارد. چون تعلیمات این دوره نخستین گامی است که در جهت آموزش افراد برای زندگی برداشته می شود، باید هدف آن آموزش دانش ها و مهارت هایی باشد که ارزش همگانی دارد و مورد نیاز همگان است. (شکوہی، 1374) از آنچه شرط ورود به دوره های تحصیلی بعدی گذراندن دوره ابتدایی است، سرمایه گذاری برای این دوره و توجه به بهبود کمی و کیفی آن زمینه را برای توفیق دانش آموزان در دوره های تحصیلی بعد فراهم کرده و افت تحصیلی و تربیتی آنان را در این دوره ها کاهش می دهد. (افی، 1382)

در روزگار ما تحقیقات جدید نشان می دهد که آموزش ابتدایی و مانند آن در کاهش فقر و تحقق برنامه های توسعه ای اقتصادی و اجتماعی نقش انکارناپذیر دارد. مدارک موجود نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه، افراد باسواد سطح بالاتر دارای درآمد فردی بیشتر، امکان اشتغال بیشتر در بازار شهری، بهره روری کشاورزی بالاتر، باروری کمتر (زادوولد) بهداشت بهتر، وضعیت تغذیه ای مناسب تر و بینش والاتری خواهند بود و حتی فرزندان شان را هم با اشتیاق بیشتری به مدرسه خواهند فرستاد.

در این پژوهش محقق درصدد است تا با بررسی تحلیلی و تطبیقی آموزش دوره ی ابتدایی دو کشور ایران و مالزی، با توجه به اهمیت این دوره در آموزش و پرورش کشورمان، به راهکارها و اصولی دست یابد. تا بتوان زمینه را برای بهبود کمی و کیفی آموزش ابتدایی کشورمان فراهم نمود.

2_ تعریف آموزش ابتدایی

به نخستین مرحله از آموزش رسمی و همگانی اطلاق می شود که پرجمعیت ترین مقطع تحصیلی به شمار می رود. معمول ترین سن ورود آغاز تحصیلات رسمی سن 5 تا 7 سالگی است. (آقازاده، 1382)

در ایران آموزش و پرورش دبستانی عبارت است از آموزشی که به کودکان 6 تا 11 ساله در دبستان ها داده می شود. از آنجا که آموزش و پرورش دبستانی مهم ترین حلقه از حلقه های نظام آموزش و پرورش کشور به شمار می رود، این دوره از آموزش از اولویت خاصی برخوردار گشته است. طول این دوره از آموزش که با شکل گیری فعلی، پنج سال تحصیلی است کودکان را در کلاس های اول تا پنجم تحت پوشش خود قرار می دهد. (مفیدی، 1383)

3_ نظام آموزش و پرورش معاصر ایران

مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می دهد که نخستین بار در 9 آبان 1290 ه. ش، مجلس شورای ملی قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد. در سال 1294 ه. ش نظارت دولت در امر آموزش و پرورش به صورت یک اصل در متمم قانون اساسی مطرح شد و از این تاریخ سازمان های آموزشی در ایران شکل منظم و متمرکزی به خود گرفتند و نظارت دولت بر مؤسسات آموزشی جنبه قانونی یافت.

نظام آموزش و پرورش ایران شامل کودکان، دبستان، دبیرستان، مؤسسات عالی و دانشگاه است. نظام آموزش و پرورش رسمی ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن به وجود آمده است. تا قبل از انقلاب مشروطیت آموزش و پرورش در مکتب خانه های سنتی ادامه داشت و معلمان آن معمولاً از طریق مراکز دینی و یادگیری فقه و اصول و درس قرآن به نعمت سواد دست یافته بودند و آنچه می دانستند با روش سنتی به کودکان و نوجوانان می آموختند. معمولاً دولت و سازمان های دولتی هیچ گونه نظارتی بر آنها نداشتند و مواد درسی که بدون یک برنامه مدون تدریس می شد، عبارت بود از خواندن، نوشتن، حساب، خط، قرآن و صرف و نحو عربی. علاوه بر این گونه مکتب خانه ها برخی مدارس غربی نیز فعالیت می کردند. امیرکبیر در سال 1225 خورشیدی دارالفنون را که اولین موسسه عالی به سبک نوین در ایران بود راه اندازی کرد.

3_ تاریخچه‌ی آموزش ابتدایی در ایران:

3_1_ آموزش ابتدایی در ایران پیش از اسلام:

هخامنشیان فرزندان خود را از کودکی به فراگرفتن ورزش‌های گوناگون و کارهای دست جمعی عادت می‌دادند تا از این راه حس همکاری و جوانمردی را در ایشان ایجاد نموده و در انجام وظایف اجتماعی و حفظ حقوق خود و دیگران کوشا باشند، از قوانین جمعی پیروی نمایند و آن را محترم دارند. (حکمت، سال 1350، ص 81)

در عصر ساسانی نیز با توجه به اوضاع طبقاتی به‌مانند ادوار سابق، تعلیم و تربیت عالی به‌تقریب ویژه خانواده‌های نجبا و اشراف بوده است و مردم عادی به‌وقایع بهره‌ای از آن نداشتند، لیکن به دلایل متعدد نیاز بیشتری به دبیران و کارگزاران دولتی و مأموران مالیاتی احساس می‌گردد و لذا تعلیم و تربیت نسبت به سابق تا حدی گسترده‌تر می‌گردد و حتی ظاهراً تعداد بسیار معدودی از طبقات غیر اشرافی و متوسط طبقه نیز از سواد و تعلیم و تربیت مختصری برخوردار بوده‌اند. (الماسی، 1382، ص 95)

3_2_ آموزش ابتدایی در ایران در دوران معاصر:

در سال 1911 آموزش عمومی به عهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته شد. (تونی 2004، ص 880) قابل ذکر است که مکتب‌ها و مدارس جدید تا سه دهه اول قرن بیستم در ایران به‌طور جداگانه به فعالیت می‌پرداختند. به تدریج که مدارس جدید از حمایت‌های مالی دولت بهره بردند، مکتب‌ها منحل گردیدند و نظام آموزشی ایران در یک قالب جدید قرار داده شد. (تونی 2004، ص 880) در سال 1290 قانون اساسی فرهنگ در مجلس دوم به تصویب رسید که طبق یکی از بندهای آن تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری اعلام گردید. (آقازاده، 1382، ص 26)

4_ اهداف دوره ابتدایی در ایران

اهداف دوره‌ی ابتدایی مصوب ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش دارای اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که هر کدام از این موارد دارای زیرمجموعه‌های زیر می‌باشند.

در راستای رسالت و مأموریت آموزش و پرورش وجهت دهی به رشد همه دانش‌آموزان بر پایه تعلیم و دستورات دین مبین اسلام. اهداف دوره ابتدایی به شرح زیر تعیین می‌شود. مدیران، برنامه ریزان و همه‌ی افرادی که در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان نقشی بر عهده‌دارند مکلفند در برنامه‌ریزی امور، سازمان‌دهی فعالیت‌ها و انجام وظایف مربوط به‌گونه‌ای اقدام نمایند که تا پایان تحصیلی دست‌یابی دانش‌آموزان به اهداف تعیین شده ممکن باشد.

4_1_ اهداف اعتقادی

- اصول دین را می‌داند و به آن معتقد است.
- خداوند را دوست دارد و او را بهترین یاور و کمک می‌داند.
- با زندگی انبیاء اولوالعزم به‌ویژه نبی اکرم (ص) و معصومین تا حدودی آشناست و آنان را دوست دارد.
- با معنای معاد آشنا است و می‌داند که انسان در کارهایی که انجام می‌دهد نزد خداوند پاسخگو است.
- به اولیاء دین، بزرگان و شخصیت‌های اسلامی احترام می‌گذارد.
- معنای تولی و تبری را می‌داند.
- قرآن را از رو می‌خواند و ترجمه برخی از سوره‌ها آشنایی داشته و از حفظ می‌خواند.
- ترجمه بعضی از احادیث ساده را می‌داند.
- نمازهای واجب را با رغبت می‌خواند. (برای دختران)
- نماز را به‌درستی می‌خواند و احکام ضروری مربوط به نماز روز به آشنا است.
- افراد محرم و نامحرم را تشخیص می‌دهد و احکام مربوط را رعایت می‌کند.

- با مسائل مربوط به سن تکلیف و تقلید آشنا است. احکام را در حد ضرورت می داند و به آن عمل می کند. (برای دختران)
- با حلال و حرام آشناست و احکام مربوطه را در حد ضرورت رعایت می کند.
- معنای امر به معروف و نهی از منکر را می داند.
- به مجاهدین در راه خدا و شهدا احترام می گذارد.
- زمان ها و مکان های مقدس و مهم را می شناسد.
- به حضور در مسجد علاقه نشان می دهد و آداب آن را می داند.

5_ ساختار دوره ابتدایی در ایران

دوره ابتدایی اولین مرحله از تحصیلات رسمی در ایران می باشد که پنج سال طول می کشد و سن ورود از شش سالگی می باشد. دانش آموزان اگر امتحانات پایان دوره ابتدایی را با موفقیت طی نمایند، گواهینامه پایان تحصیلات ابتدایی را دریافت می نمایند. (دفتر بین المللی تعلیم و تربیت)

5_1_ در تشکیلات آموزش و پرورش ایران به موجب قانون اساسی؛ وزارت آموزش و پرورش وظیفه ی اصلی آموزش و پرورش را برعهده گرفته و نظام آموزش و پرورش نیز از شیوه ی متمرکز استفاده می کند. بدین صورت که مصوبات و دستورالعمل های دستگاه مرکزی به صورت دستورات اداری واجب الاجرا به تمام مسئولین رده های پایین تر سازمانی (سازمان های آموزش و پرورش استان، مدیریت های آموزش و پرورش شهرستان، و مدارس) ابلاغ می شود و به این صورت اصول و خط مشی های یکنواخت، واحد و کمتر انعطاف پذیر، روش اداری وزارت آموزش و پرورش کشور است.

زیر نظر معاونت آموزش و پرورش عمومی وزارت آموزش و پرورش کشور، دفتر کل آموزش پیش دبستانی و دبستانی فعالیت دارد. در استان ها هم به همین صورت زیر نظر معاونت آموزش و پرورش عمومی سازمان آموزش و پرورش هر استان، دفتر آموزش پیش دبستانی و دبستانی سازمان آموزش و پرورش فعالیت می نماید و در مدیریت آموزش و پرورش شهرستان نیز دایره ی آموزش پیش دبستانی و دبستانی زیر نظر معاونت آموزش عمومی مدیریت آموزش و پرورش شهرستان فعالیت می نماید.

6_ انواع مدارس ابتدایی در ایران:

انواع مدارس ابتدایی در ایران عبارتند از: 1_ مدارس دولتی 2_ مدارس غیرانتفاعی 3_ مدارس استثنایی 4_ مدارس آموزشگاه های آزاد 5_ مدارس وابسته به وزارتخانه ها 6_ مدارس خارجی 7_ مدارس تطبیقی 8_ مدارس اقلیت های مذهبی 9_ مدارس شاهد (سایت تدبیر)

7_ مراحل و مقاطع تحصیلی در آلمان:

آموزش همگانی در آلمان بر دو اصل اجباری بودن و رایگان بودن استوار است. این آموزش ها از سن 6 سالگی شروع می شود و تا سن 18 سالگی ادامه می یابد. کلیه ی هزینه های تحصیلی طی این مدت بر عهده ی دولت های ایالتی است. خانواده ها به حکم قانون موظفند فرزندان خویش را که به سن 6 سالگی می رسند به مدرسه بفرستند. والدینی که در این زمینه قصور بورزند مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند. کتاب های درسی و وسایل کمک آموزشی در دوران تحصیلات همگانی رایگان است.

در سال 1949 با تصویب قانون بنیادین آموزش و پرورش، بنیادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آلمان دستخوش تغییراتی قرار گرفت. در این قانون به صراحت به حقوق کلیه ی فرزندان آلمانی در جهت برخورداری از تعلیمات همگانی بر اساس استعدادها و قابلیت های آنان تأکید شده است. در ماده ی 7 این قانون چنین آمده است: دولت های مرکزی و محلی موظفند تسهیلات و امکانات آموزشی را برای کلیه ی آحاد جامعه ی صنعتی آلمان مهیا سازند تا بدین سان کودکان و نوجوانان بتوانند از مزایای آموزش رایگان و عمومی برخوردار شده و خود را برای پاسخگویی به نیازهای عصر جدید در عرصه ی فعالیت. (SEP های اجتماعی و بازار کار و تخصص آماده سازند، 1989)

مقاطع تحصیلی در آلمان به 4 مرحله تقسیم می‌شود که شامل:

1_ آموزش پیش‌دبستانی

2_ آموزش ابتدایی

3_ آموزش متوسطه

4_ آموزش عالی

8_ مقطع ابتدایی:

تحصیل در مدرسه برای تمام کودکانی که در آلمان به سر می‌برند اجباری است و سربازدن از این مقررات پیگرد قانونی دارد. کودکان در این کشور از سن 6 سالگی تحصیلات در مقطع ابتدایی را آغاز می‌کنند. در صورتی که کودکی در نیمه‌ی دوم سال متولد شده باشد، بازم در صورتی که والدینش تمایل داشته باشند، می‌تواند تحصیل را آغاز کند. مدت تحصیل در این مقطع 4 سال به طول می‌انجامد و تنها در ایالت‌های برلین و براندنبورگ این دوره 6 ساله است. در 2 سال نخست این مقطع دانش‌آموزان یک کلاس تنها توسط یک آموزگار آموزش داده می‌شوند، اما از سال سوم به بعد، آموزگاران به صورت تخصصی به تدریس دروس می‌پردازند. در برخی از ایالت‌های آلمان کلاس‌های اول و دوم به صورت تلفیقی ارائه می‌شود. بدین ترتیب که دانش‌آموزان به میزان پیشرفت خود می‌توانند این دو کلاس را در طی یک تا سه سال پشت سر بگذارند. آموزش در مقطع ابتدایی بیشتر بر پایه‌ی بازی و سرگرمی بنا شده است. در دو کلاس نخست، سیستم ارزیابی کارایی دانش‌آموز از طریق گزارش کیفی درباره‌ی وضعیت آموزشی دانش‌آموز انجام می‌شود. گزارش رفتار اجتماعی شاگردان (نحوه‌ی برخورد با دیگر دانش‌آموزان، آموزگار و وسایل درسی مثل کتاب، دفتر و لوازم‌التحریر) و نیز پیشرفت درسی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهند. البته این گزارش در سال‌های بعدی نیز به همراه نمره تهیه می‌شود (همان صص 12 و 13) در مقطع ابتدایی در مراحل اولیه به دانش‌آموزان خواندن، نوشتن و حساب کردن می‌آموزند. ولی به تدریج درس‌هایی همچون زبان آلمانی، ریاضیات، علوم، هنر، موسیقی و ورزش را نیز به کودکان یاد می‌دهند. گرچه از لحاظ قانون اساسی کشور آلمانی دارای حکومتی سکولار است، ولی این امر در این کشور صد درصد اتفاق نیفتاده است و تعلیمات دینی در اکثر ایالت‌ها جزو دروس مدرسه محسوب می‌شود (همان ص 13). دانش‌آموزان مدرسه در طی هفته 17 تا 27 ساعت در مدرسه حضور می‌یابند. در اغلب ایالت‌های آلمان برای دانش‌آموزان کلاس اول تنها 20 ساعت در هفته کلاس برگزار می‌شود که به صورت نیمروزی و پیش از ظهر برگزار می‌شود. در پایان این مقطع، آزمون پایانی و مدرک نهایی وجود ندارد و پس از پایان این مقطع دانش‌آموزان وارد مقطع متوسطه یا ثانوی می‌شوند. (همان ص 13)

8_1_ اهداف کلی مدارس ابتدایی:

وظایف و اهداف گروندشوله‌ها با توجه به جایگاهش در نظام آموزشی تعیین می‌شود. نقش مدارس ابتدایی هدایت کودکان از شکل‌های بازی محور دوره پیش‌دبستانی به شکل‌های سیستماتیک یادگیری مدرسه و همچنین سازگار کردن شکل و محتوای برنامه آموزشی که متناسب با شرایط و قابلیت‌های شاگردان است. هدف آموزش ابتدایی عبارت است از تأمین شاگردان با پایه‌ای برای سطح آموزشی بعدی و یادگیری مادام‌العمر، اهمیت ویژه‌ای به بهبود مهارت‌های زبانی و فهم پایه مفاهیم ریاضی و علوم داده می‌شود. آموزش ابتدایی باید شاگردان را قادر به جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات از محیط اطراف بنماید. هم‌زمان آن‌ها باید مهارت‌های روانی، حرکتی و الگوهایی رفتار اجتماعی را رشد دهند.

8_1_1_ سازمان‌دهی مدرسه و سال تحصیلی:

موزان به مدرسه می‌روند. (کمتر از 75 روز تعطیلات، روزهای H پنج روز هفته و 180 روز در سال دانش آزاد کمتر از ده روز، 52 یکشنبه، 20 شنبه). سال تحصیلی از اول آگوست آغاز و در 31 جولای خاتمه می‌یابد.

8_2_ انواع مدارس:

در آلمان دو گونه مدرسه وجود دارد. مدارس خصوصی و دولتی. مدارس خصوصی تحت نظارت دولت و به وسیله اشخاص تأسیس می گردند. مدارس دولتی به طور عمده از بودجه های عمومی منتفع می شوند.

8_3_ برنامه درسی، موضوعات و تعداد ساعات:

درس ها در مقطع ابتدایی با تمرکز روی خواندن، نوشتن و حساب شروع می شوند. تدریس در دروس با تمرکز روی یک موضوع ویژه و رده های بین رشته ای رخ می دهد. موضوعات شامل زبان آلمانی، ریاضی، هنر، موسیقی و در بیشتر ایالت ها آموزش مذهبی را شامل می شود. چندین موضوع به ویژه زبان آلمانی، تئاتر، موسیقی و هنرهای دستی اغلب همراه باهم آورده می شود. و کار متنوع و زنده در موضوعات و واحدهای درسی ایجاد شود. برای وارد کردن آموزش زبان خارجی در مدارس ابتدایی ایالت ها با دیدگاه های مختلفی روبرو شدند.

تدریس زبان خارجی در مدارس ابتدایی به عنوان یک موضوع ویژه و با روش های آموزشی ویژه در مدارس ابتدایی درک می شود. آن با روش های بازی محور توصیف می شود که به تک تک شاگردان اجازه می دهد خودشان پیشرفتشان را ایجاد نمایند. ویژگی دیگر شامل ارتباط نزدیک بین زبان خارجی و موضوعات دیگر درسی که در مدارس ابتدایی آموخته می شوند می باشد. هم اکنون در تمام ایالت ها تدریس زبان خارجی در قسمت ابتدایی گسترش یافته است و به طور عمده مربوط به پایه سوم و چهارم می شود در بعضی ایالت ها شامل پایه اول و دوم نیز می شود.

علاوه بر موضوعاتی که ذکر شد موضوعات زیر نیز به عنوان اصول ثابت در برنامه گروند شوله قرار دارند. آموزش حس (فعالیت های خلاق و تجربیات حس)، استفاده از تکنولوژی، پرورش حرکتی، مواجهه با زبان های خارجی، محیط و سلامتی، برخورد با طبیعت و بدن به طور مسئولانه، نگاه به کشور با دید بین الملل، به علاوه در سال های اخیر، برنامه درسی، یک مفهوم یادگیری مادام العمر را به خود گرفته است.

9_ یافته های پژوهش

در تشکیلات آموزش و پرورش ایران به موجب قانون اساسی؛ وزارت آموزش و پرورش وظیفه ی اصلی آموزش و پرورش را برعهده گرفته و نظام آموزش و پرورش نیز از شیوه ی متمرکز استفاده می کند. بدین صورت که مصوبات و دستورالعمل های دستگاه مرکزی به صورت دستورات اداری واجب الاجرا به تمام مسئولین رده های پائین تر سازمانی (سازمان های آموزش و پرورش استان، مدیریت های آموزش و پرورش شهرستان، و مدارس) ابلاغ می شود و به این صورت اصول و خط مشی های یکنواخت، واحد و کمتر انعطاف پذیر، روش اداره ی وزارت آموزش و پرورش کشور است.

زیر نظر معاونت آموزش و پرورش عمومی وزارت آموزش و پرورش کشور، دفتر کل آموزش پیش دبستانی و دبستانی فعالیت دارد. در استان ها هم به همین صورت زیر نظر معاونت آموزش و پرورش عمومی سازمان آموزش و پرورش هر استان، دفتر آموزش پیش دبستانی و دبستانی سازمان آموزش و پرورش فعالیت می نماید و در مدیریت آموزش و پرورش شهرستان نیز دایره ی آموزش پیش دبستانی و دبستانی زیر نظر معاونت آموزش عمومی مدیریت آموزش و پرورش شهرستان فعالیت می نماید.

9_1_ مدیریت و مقررات نظام آموزشی در آلمان، ابتدا در حوزه مسئولیت ایالت می باشد. وزرای آموزش و امور فرهنگی و علوم در ایالت بالاترین مرجع در امور آموزشی هر ایالت می باشند. نظارت بر سیستم مدرسه (آموزش عمومی و حرفه ای)؛ برنامه ریزی و سازمان دهی کل نظام مدرسه در حوزه اختیارات وزرای آموزش و امور فرهنگی و مدیریت مدرسه می باشد. ایالت فقط مسئول سازمان دهی ساختار مدرسه و تعیین محتوای دروس و هدف های تدریس نیست. مدیریت مدارس در 3 ردیف ایجاد می گردد. در بالاترین سطح وزرای آموزش و امور فرهنگی قرار دارند، حاکمان منطقه ای در سطح بعدی قرار دارند، حاکمان محلی اداره مدارس در پایین ترین سطح قرار دارند. آموزش ابتدایی در همه ایالت های آلمان 4 سال است به جز برلین و براندنبورگ که در آنجا شش سال طول می کشد. (سایت آموزش و پرورش (اروپا))

9_2_ برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران: تمرکز برنامه درسی در مدارس ابتدایی ایران روی مهارت‌های سوادآموزی و حساب، بررسی پدیده‌های اجتماعی و فیزیکی، مطالعات مذهبی می‌باشد. برنامه درسی به صورت متمرکز و بیشتر بر پایه کتاب درسی می‌باشد. کتاب‌های درسی هم توسط دولت و سازمان پژوهش، طراحی، تألیف و منتشر شده و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. درس‌هایی که در مقطع ابتدایی به کودکان داده می‌شود. شامل قرآن، تعلیمات دینی، انشاء فارسی، املاء فارسی، قرائت فارسی (خواندن و درک مطلب و دستور زبان فارسی)، مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی و بهداشت، هنر (نقاشی، خوشنویسی و کاردستی)، ورزش می‌باشد. فعالیت‌های فوق برنامه در کنار فعالیت‌های برنامه درسی در مدارس ابتدایی ایران به وسیله مربیان امور تربیتی و معلمان صورت می‌گیرد و بیشتر شامل برنامه‌های مذهبی همچون نماز جماعت و... می‌باشد و فعالیت‌های غیرمذهبی هم شامل اردوها، کتابخانه و..... می‌باشد.

9_3_ برنامه درسی در مقطع ابتدایی در آلمان با تمرکز روی خواندن، نوشتن و حساب شروع می‌شوند. برنامه درسی غیرمتمرکز می‌باشد و توسط ایالت‌ها انجام می‌پذیرد. کتاب‌های درسی توسط افراد و اشخاص گوناگون تألیف و چاپ شده و وزارت آموزش و پرورش فقط وظیفه تأیید این کتب را دارد. مدارس نیز باید از کتاب‌های تأیید شده استفاده نمایند. تدریس در درس با تمرکز روی یک موضوع ویژه و رده‌های بین‌رشته‌ای رخ می‌دهد. موضوعات شامل زبان آلمانی، ریاضی، هنر، موسیقی و در بیشتر ایالت‌ها آموزش مذهبی را شامل می‌شود. چندین موضوع به ویژه زبان آلمانی، تئاتر، موسیقی و هنرهای دستی اغلب همراه باهم آورده می‌شود و کار متنوع وزنده در موضوعات و واحدهای درسی ایجاد شود. برای وارد کردن آموزش زبان خارجی در مدارس ابتدایی، ایالت‌ها با دیدگاه‌های مختلفی روبرو شدند.

10_ نتیجه‌گیری

می‌توان اذعان کرد که در هر یک از کشورها آموزش و پرورش و به مثابه‌ی آن آموزش ابتدایی از ابتدا تا به امروز دچار تحولات عظیمی گردیده است. اما در هر یک از کشورهای مذکور روند تحول بیشتر بر روی یک مسأله تمرکز داشته است. در ایران عامل مهم در تحول آموزش و پرورش؛ دین و مذهب است.

چه اینکه در دوران قبل از اسلام آئین زرتشت کاملاً عامل مؤثر در فلسفه و اصول آموزش و پرورش بوده است. پس از اسلام آموزش و پرورش از فلسفه و اصول اسلامی بهره برده است و کاملاً آموزش و پرورش و آموزش ابتدایی را تحت تأثیر خود قرار داده است. تا اینکه امروزه در ایران پس از انقلاب اسلامی هم ارزش‌های اسلامی هستند که در فلسفه‌ی آموزش و پرورش و اهداف اعتقادی دوره‌ی آموزش ابتدایی نمود پیدا کرده است.

اما در دوره‌ی ابتدایی نظام آموزشی آلمان، سیاست، ایدئولوژی و آرای مربیان تربیتی نقش مهمی در تحول آموزش و پرورش و به مثابه‌ی آن آموزش ابتدایی داشته است.

چنانچه مشاهده می‌شود در جمهوری وایمار؛ آموزش و پرورش تحت تأثیر تئوری‌های سیاسی دموکراسی خواهان بوده و پس از آن در دوران نازی‌ها تحت تأثیر ایدئولوژی نازیسم و برتر بینی نژاد آلمانی؛ در دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن تحت تأثیر ایدئولوژی کمونیستی و افکار مارکسیستی بوده است. در دوران جدید هم اصلاحات اساسی برای از بین بردن تأثیر این ایدئولوژی‌ها و آرای تربیتی مربیان جدید بوده است.

تفاوت در نظام غیرمتمرکز و فدرال در آلمان است. در نظام آموزشی ایران؛ دستورالعمل‌ها و مصوبه‌ها از بالا تصویب شده و به رده‌های پایین تر ابلاغ می‌شود و لازم‌الاجراست. این دستورالعمل‌ها جای هیچ‌گونه انعطافی برای سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها و مدیریت‌های شهرستان ندارد. اما در کشور آلمان، این ایالات فدرالی و وزرای آموزش و پرورش فدرال به همراه مدیران شهرها و مدیران مدارس هستند که مدارس را مدیریت می‌کنند و برنامه‌ها و دستورالعمل‌های آموزشی دارای انعطاف‌پذیری فراوانی هستند.

در ایران طی دوسال آموزش نظری و همچنین یک دوره‌ی کارورزی چندساعته‌ی عملی انتظار می‌رود که این فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت‌معلم؛ به خوبی بتوانند آموزش‌های لازم را به دانش‌آموزان دبستان‌های این کشور بدهند. صلاحیت‌های حرفه‌ای برای پذیرش در تربیت‌معلم لحاظ نمی‌شود و فقط صلاحیت‌های اخلاقی و دینی مورد توجه است. از طرفی بی‌علاقگی نخبگان در انتخاب رشته‌های

تربیت معلم نشان از منزلت پائین معلمان در اجتماع را دارد. اما در کشور آلمان؛ معلمان با دارا بودن موقعیت ممتاز اقتصادی؛ از منزلت اجتماعی بالایی برخوردارند و همین باعث جذب و انتخاب نخبگان در این گروه شغلی برای دست اندرکاران این امر می باشد. همچنین آموزش معلمان کارآمد را نشان می دهد که این امر به صورت کلی در پیشرفت کشور نوید می دهد. برنامه درسی در ایران به صورت متمرکز و کتاب محور است. دارای انعطاف پذیری خیلی کم بوده معلمان موظف به اتمام کتاب در طی زمان بندی سال تحصیلی می باشند.

برنامه درسی در آلمان به طور غیرمتمرکز بوده و کتاب ها توسط افراد متخصص دیگر تألیف می شوند و مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش قرار می گیرند. برنامه ی درسی بیشتر روی موضوعات درسی تأکید دارند تا کتاب. بنابراین انعطاف پذیری بیشتری در برنامه ی درسی دیده می شود.

11_ منابع

- آفزاده، احمد (1382) تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: آرسباران
- الماسی، علی محمد، (1380) تاریخ آموزش پرورش ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- الماسی، علی محمد. (1382) تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، انتشارات رشد.
- حکمت، علیرضا، (1350) آموزش و پرورش در ایران باستان. تهران، موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی.
- شکوهی، غلامحسین (1383)، اصول و مبانی آموزش و پرورش، نشر مشهد
- طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (1367) وزارت آموزش و پرورش، خردادماه.
- مفیدی، فرخنده (1383) آموزش و پرورش دبستانی و پیش دبستانی، دانشگاه پیام نور.
- وزارت آموزش و پرورش (1381) آئین نامه ها و مقررات مربوط به تربیت معلم، تهران، معاونت نیروی انسانی.
- وزارت آموزش و پرورش (1382) مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات مدرسه.

Comparison of the features of elementary education in Iran and Germany

Abstract

The level of primary education is called primary education, compulsory education, general education and general education. In our time, new research shows that primary education and the like have an undeniable role in reducing poverty and realizing economic and social development programs. Undoubtedly, a weak primary education system endangers the entire human capital development system. On the one hand, this system educates students who do not have the necessary preparation to enter secondary and higher education, and on the other hand, it delivers illiterate adults. More importantly, it will not train enough parents, workers and managers who have received real training to participate in development. It is at this stage that students transform and develop their way of thinking and dealing with the learning problem.

Therefore, the necessity of this research in order to reach the weaknesses and strengths of primary education in our country in comparison with Germany, which is a leading country in the European economy, which has seen an increasing growth in education in recent years, and to provide solutions to improve the weaknesses and strengthen the strengths of primary education in the country. It seemed necessary.

The curriculum in Germany is decentralized and the books are written by other experts and approved by the Ministry of Education. Curriculum is more focused on course topics than books. Therefore, more flexibility is seen in the curriculum. In this country, German language, mathematics, experimental sciences, art and music are emphasized, which are somewhat close to Iran's subjects.

Key words: primary education system, evolution of primary education, organization and organization of primary education, primary education in Germany